

Women and Prophetic Cultural Governance: A Study on "Identity Formation" with a Symbolic Interactionist Approach

Nayere Dalir¹

Fateme Baratlo²

1 Associate Professor of History, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran: dalirnh@yahoo. Com [0000-0001-9897-5698](https://doi.org/10.22034/iscw.2024.2036624.1072).

1 Associate Professor of Management Research Group, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, (corresponding author):

f. baratlou@ihcs. ac. Ir. DOI: **00000.0002,3176,3647**

Doi: 10.22034/iscw.2024.2036624.1072

Original Research

Received:

2024-06-25

Accepted:

2024-09-25

Keywords:

Cultural Governance, Prophetic Era, Women, Identity Formation, Symbolic Interactionism, Role Model.

Abstract: This article focuses on the "identity formation" of women during the era of Prophet Muhammad (PBUH), emphasizing that it was not detached from the social sphere and created a kind of meaning-making influenced by the "role model." It seeks to answer the question of how "Prophetic cultural governance" shaped the structure of individual and collective identities of women in that era. This study employs a historical analysis approach and utilizes theories and concepts related to "identity formation" derived from the "symbolic interactionist" school of thought. The article argues that Prophetic cultural governance, in the context of women's "identity formation," is focused on achieving the "complete self," inspired by and emanating from the "significant other," while relying on either of the dualities of "role model" and "role authority" creates a different cultural governance. The findings of the research indicate that the influence of Prophetic cultural governance on women's identity formation was primarily influenced by the Prophet's "role model" as a transformative leader, rather than merely as a ruler in the position of "role authority." Consequently, Prophetic cultural governance based on the "role model" emerges as a novel and effective approach in shaping social and cultural identity, which is not only aligned with Islamic concepts but also consistent with contemporary ethical theories such as Zagzebski's "exemplarist moral theory."

زنان و حکمرانی فرهنگی نبوی؛ مطالعه‌ای بر «ساخت هویت» با رویکرد تعامل گرایی نمادین

نیره دلیرا فاطمه براتلوی ۲

۱. دانشیار، پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

ORCHID: 0000-0001-9897-5698 dalimh@yahoo.Com

۲. دانشیار، گروه پژوهشی مدیریت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

DOI: 00000.0002,3176,3647 .f.baratlou@ihcs.ac.Ir

DOI: 10.22034/iscw.2024.2036624.1072

صص: ۱۷۲-۱۵۱

مقاله:

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۰۵/۰۴

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۲۸

کلید واژه ها:

حکمرانی فرهنگی،

عصر نبوی، زنان،

ساخت هویت،

تعامل گرایی نمادین،

الگوی نقش.

چکیده: این مقاله بر «ساخت هویت» زنان در عصر پیامبر اکرم (ص) تأکید دارد که جدا از سپهر اجتماعی نبوده و نوعی معنا سازی را متأثر از «الگوی نقش» برمی سازد. و در پی پاسخ به این پرسش است که «حکمرانی فرهنگی نبوی» چگونه موجب شکل دهی به ساختار هویت های فردی و جمعی زنان در آن روزگار شده است؟ در این مسیر از شیوه تبیین تاریخی و آراء و نظریات مرتبط با «ساخت هویت» برگرفته از آراء صاحب نظران مکتب «تعامل گرایی نمادین» استفاده شده است. مقاله این مدعا را مطرح می کند که حکمرانی فرهنگی نبوی، در موضوع «ساخت هویت» زنان، ناظر بر دستیابی به «خود کامل»، ملهم و منبعث از «دیگری خاص» است؛ درحالی که اتکا به هر یک از دوگانه های «الگوی نقش» و «مرجع نقش» حکمرانی فرهنگی متفاوتی را برمی سازد. یافته های پژوهش نشان می دهد که تأثیر حکمرانی فرهنگی نبوی بر ساخت هویت زنان، بیش از هر چیز متأثر از «الگوی نقش» پیامبر در مقام رهبری تحول خواه بوده است و نه تنها یک حکمران صرف در مقام «مرجع نقش». در نتیجه حکمرانی فرهنگی نبوی مبتنی بر «الگوی نقش» به عنوان رویکردی نوین و مؤثر در شکل دهی هویت اجتماعی و فرهنگی نمایان می شود که نه تنها با مفاهیم اسلامی هم راستاست، بلکه با نظریه های اخلاقی معاصر هم چون نظریه «اخلاق الگوگرایی» زاگزبسیکی نیز همخوانی دارد.

۱. مقدمه

با ظهور دین اسلام، نظام ارزشی جدیدی به جامعه معرفی شد که می‌توانست ساخت هویتی زنان را تحت تأثیر قرار داده و آن را از گذشته متمایز سازد؛ همچنان که ظهور ادیان پیشین نیز رویدادهای تاریخی مهمی بودند که تأثیر عمیقی بر مقوله «هویت‌یابی» زنان داشته‌اند. حضور نبی اسلام به عنوان «الگوی نقش» در میان همگان، موجب بروز و نمود هنجارهای جدید برای زنان شد. پس از بعثت پیامبر اسلام، قوانین شرعی و دستورات دینی، زنان را به ایفای «نقش‌های» جدیدی ترغیب کرد و موجب وضع حقوق و وظایف آنان در ازدواج، ارث، مالکیت و مواردی از این دست شد. این قوانین و دستورات به شکل‌دهی خاصی از هویت زنان منجر گردید. اما آنچه در این مقاله بررسی می‌شود، روایت‌های خاصی است که دین اسلام از طریق تعالیم خود ایجاد نموده و با هویت زنان پیوند خورده است. در واقع، مطالعه عمیق متون تاریخی نشان‌دهنده پیوند عمیق بین دین و هویت زنان در جامعه نبوی است و به طور مشخص، شکل‌گیری و ساخت هویتی زنان در عصر پیامبر اکرم (ص) تحت حکمرانی فرهنگی ایشان بررسی شده است.

در مقام تبیین‌گری بر اساس منابع تاریخی، سیره پیامبر در مورد زنان روشن است؛ به نحوی که می‌توان اذعان کرد متأثر از «الگوی نقش» پیامبر، حضور زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی تشویق و تحریض شده و از این‌رو، تأثیر شایانی بر ساخت هویت زنان به مثابه کنش‌گران اجتماعی فعال در جامعه داشته است. در حقیقت نظر به اهمیت حضور و جایگاه زنان در مرور سیره پیامبر با مراجعه به منابع اصیل سیره‌شناسی، مشخص می‌شود که رفتار و کنش پیامبر پس از تشکیل حکومت در مدینه بیانگر تلاش‌ها و تکاپوهای عظیمی از سوی او در راستای هویت‌بخشی به زنان در جنبه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ارتقای منزلت آنان در جامعه اسلامی است. پژوهش پیش‌رو، ضمن مطالعه موردی موقعیت و مناسبات اجتماعی زنان در عهد پیامبر اسلام به دنبال آن است که تأثیر گفتار و کردار پیامبر اکرم (ص) بر ساخت هویتی زنان را بررسی کند. این انتخاب؛ بر این اساس که مطالعه رفتار تاریخی و مشاهده ذکر نام و شرح اعمال تعداد زیادی از زنان در آثار *نظیر الطبقات الکبری، معرفة الصحابه، الاستیعاب و اسدالغابة* بیانگر تحوّل چشمگیر در ساخت هویتی زنان است. بنابراین می‌توان درباره حکمرانی

فرهنگی نبوی و چگونگی ساخت هویتی زنان بر اساس رویکرد مکتب تعامل گرایی نمادین به بحث و بررسی پرداخت.

حکمرانی فرهنگی مبتنی بر «الگوی نقش» به عنوان رویکردی نوین و مؤثر در شکل دهی هویت اجتماعی و فرهنگی نمایان می شود. این نوع حکمرانی نه تنها با مفاهیم اسلامی هم راستاست، بلکه با نظریه های اخلاقی معاصر مانند نظریه «اخلاقی الگوگرایی» لیندا زاگزیسکی نیز همخوانی دارد. زاگزیسکی در نظریه خود معتقد است که فضایل اخلاقی از طریق الگوهای مثبت و تحسین برانگیز به دیگران منتقل می شود؛ این الگوها به عنوان نمونه هایی برای تقلید و الهام گیری در جوامع عمل می کنند (Zagzebski, 2017) (70-100; 15-40). پژوهش در پی آن است که نشان دهد استفاده از «الگوی نقش» به عنوان ابزار اصلی حکمرانی فرهنگی، در زمان پیامبر اکرم بارزترین نمود خود را داشته و در خوانش جدید در نظریه های اخلاقی معاصر نیز به عنوان رویکردی مؤثر و کارآمد تلقی می شود.

۱. چارچوب نظری

حکمرانی ها نقش مهمی در شکل دهی به ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایفا می کنند (Fukuyama, 2013). به ویژه، حکمرانی های فرهنگی در بازنمایی و ترویج نقش های زنان در جامعه و برساخت هویتی آنان اثرگذار است (Yuval-Davis, 2011). سیاست ها، برنامه ها، فعالیت ها و اقدام های اندیشیده شده، شرایط لازم را برای تحقق این هدف فراهم می آورند. پژوهش های اندرسون (۲۰۰۶) و دیمگیو و مور (۲۰۰۳) نیز به چگونگی شکل گیری و ساخت هویت های فردی و جمعی در بسترهای سیاسی و فرهنگی پرداخته اند. در چارچوب این حکمرانی ها، روایت های تاریخی، مذهب، آداب و رسوم و نمادهای فرهنگی به افراد و جوامع کمک می کند تا به هویت های خاص خود پی برده و آن ها را تقویت کند (Griffield & Yan, 2006). نتیجه این حکمرانی ها، تقویت هویت های موجود، تغییر و یا شکل گیری هویت های جدید خواهد بود. مقاله حاضر به این مهم پرداخته که حکمرانی نبوی چگونه هویت زنان صحابی را متأثر ساخته است. در اینجا ساخت هویت زن در ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عصر رسول اکرم (ص) مورد توجه خواهد بود.

هویت مورد توجه در این پژوهش، هویتی خودانگیخته است که نشان‌دهنده رفتار، کنش و پاسخ‌های فرد به موقعیت‌های مختلف اجتماعی است؛ هویتی که جدا از سپهر اجتماعی معنادار نبوده و از رهگذر تعاملات اجتماعی، با نوعی معناسازی برگرفته از «دیگری» شکل می‌گیرد (Mead, 1934: 135-144). تعامل میان «خود» و «دیگری» در فرآیندی «دیالکتیکی»، ظهور و بروز «خود کامل»^۱ را می‌نمایاند. این تعامل، امکان خلاقیت فردی را فراهم می‌آورد و همزمان فرد را قادر می‌سازد تا منطبق با هنجارها عمل کند (Joas, 1985: 58-89). یکی از انواع «دیگری»ها در نظریه هویت مید، «دیگری خاص» است که می‌توان آن را همان مصداق «الگو» دانست. در زمانه پیامبر، «دیگری خاص» نقش مهمی در اثرگذاری و تکوین «خود کامل» در ساخت هویت زنان آن عصر داشته و پیامبر خود، بازتاباننده این «دیگری خاص» است. «دیگری خاص» در تضاد و تقابل با «خود» قرار ندارد، بلکه ناظر بر تکامل بخشیدن و دستیابی به «خود کامل» است. آراء استرایکر (۱۹۸۰) از اعضای برجسته مکتب تعامل‌گرایی نمادین، در زمینه «نقش - هویت»^۲ نیز در اینجا مورد توجه واقع شده‌است. او «هویت» را مجموعه‌ای از «نقش‌های اجتماعی» تعریف می‌کند که «افراد» با ایفای نقش‌های خود به «تعهدات هنجاری»^۳ و «تعهدات مشارکتی»^۴ پای‌بند هستند (Stryker & Burke, 2000). افزون بر این، طبق نظریه «هرم برجستگی هویت»^۵ استرایکر، هویت‌های مختلف افراد، ماهیت‌هایی «سلسله‌مراتبی»^۶ دارند که به شدت به میزان «تعهد» فرد به هر نقش و «اهمیت» آن نقش نزد آنان، وابسته‌اند (Stryker & Burke, 2000). در بالاترین سطح هرم، نقش‌هایی قرار دارند که فرد بیشترین تعهد و اهمیت را برای آن‌ها قائل است. این نقش‌ها تأثیر بیشتری بر رفتار و تصمیم‌گیری‌های فرد دارند، در حالی که نقش‌های پایین‌تر کم‌اثرترند.

-
1. Full Self
 2. Role-Identity
 3. Normative Commitment
 4. Interactional Commitment
 5. Identity salience hierarchy
 6. Identity hierarchy

۲. تعریف مفاهیم

هویت (identity): موضوع هویت در این مقاله بر آراء مکتب «تعامل گرایان نمادین» متکی است؛^۱ چنانچه اشاره رفت در این جا تلفیقی از نظریه‌های هویتی ذیل مکتب «تعامل گرایان نمادین» مورد توجه خواهند بود که توانایی تبیین منابع و مستندات تاریخی را دارند تا بر آن اساس، به ساخت هویتی زنان به ویژه در «مدینه النبی» و تحت تأثیر حکمرانی فرهنگی ایشان پرداخته شود. شایان توجه است در این پژوهش، هویت به عنوان فرآیندی پویا و تطبیق پذیر، به شدت تحت تأثیر شرایط تحول اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. هربرت بلومر از بنیان‌گذاران این مکتب، معتقد است «هویت فردی و گروهی از طریق فرآیندهای اجتماعی و در تعاملات روزمره برساخته می‌شود» (Blumer, 1969: 62). از این رو، هویت افراد به طور مستمر در تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد و تحت تأثیر تغییرات اجتماعی و فرهنگی است. اروینگ گافمن نیز بر نقش کلیدی شرایط اجتماعی و فرهنگی در شکل‌دهی به هویت تأکید دارد و می‌نویسد که «فرد همواره در حال تنظیم و بازسازی هویت خود در پاسخ به انتظارات و تغییرات اجتماعی است» (Goffman, 1959: 73) در نگاه مید از پیشگامان و موثران بر متفکران این مکتب، هویت «فردی» جدا از سپهر «اجتماعی» معنادار نبوده و در حقیقت توسعه «خود» در تعاملات درون این سپهر صورت می‌پذیرد (Mead, 1934: 135-144). از این رو، مید افزون بر مفهوم «خود»^۲ مفهوم «دیگری»^۳ را نیز به کار می‌گیرد. او «دیگری» را به دو دسته شامل «دیگری عام/فراگیر»^۴ و «دیگری خاص»^۵ تقسیم می‌کند. «دیگری خاص»، مانند مربی و آموزگار، به فرد کمک می‌کند تا خودپنداره و هویت شخصی خود را توسعه دهد؛ اما «دیگری عام» یا «فراگیر» نماینده هنجارها، ارزش‌ها

۱. لازم به توضیح است که تعدد و تنوع مفاهیمی همچون «خود روایتی (narrative self)» در نظریه پل ریکور، «خود بازتابی (reflexive self)» در آثار آنتونی گیدنز، «خود استعاری (metaphorical self)» در اندیشه جورج لاکوف و مارک جانسون، و «خود اجتماعی (social self)» در آراء اریک اریکسون و هنری تاجفل و صاحب‌نظران دیگر به تفاوت‌های موجود در درک و تبیین متفاوت نظریه‌پردازان از خود و هویت اشاره دارند.

2. self

3. Other

4. generalized other

5. particular other

و انتظارات اجتماعی است که در طی فرآیند جامعه‌پذیری، در فرد درونی شده‌اند و به هویت اجتماعی‌اش شکل می‌دهد، به گونه‌ای که فرد بتواند نقش‌های مختلف اجتماعی را به درستی ایفا کند (Mead, 1934: 154-163; Joas, 1985: 23-57). می‌توان گفت که هر فردی «خودی» دارد که همزمان تحت تأثیر «دیگری» است. این دیگری نقش مهمی در ساخت‌یابی هویت فرد ایفا می‌کند و بر نحوه درک و تجربه هویت او تأثیرگذار است.

ساخت هویت یا چگونگی تعریف فرد از خود و احساس تعلق موضوعی است که توسط نظریه‌های متعددی مانند «نظریه هویت»^۱ و «هویت اجتماعی»^۲ مورد بررسی قرار گرفته است (Tajfel, 1981: 255-256). این دو حوزه نظری به‌رغم ارتباط نزدیک، متمایز از یکدیگر بوده و هر یک به جنبه‌های خاصی از هویت در علوم اجتماعی و روان‌شناسی می‌پردازند. با این حال، هر دو حوزه نظریه‌ها در کنار هم رکن اساسی در فهم برساخت هویت‌اند. در روان‌شناسی، «نظریه هویت» بیشتر بر جنبه‌های فردی و درونی هویت در فرد تمرکز داشته و جنبه‌های مختلفی همچون خودپنداری^۳ یا ادراکات و باورهای فرد درباره خودش، ویژگی‌های شخصیتی، توانایی‌ها؛ خودآگاهی^۴ و یا آگاهی از خود و توانایی تفکر درباره خود و مواردی از این دست را شامل می‌شود (Stryker & Burke, 2000). در حالی که، در حوزه علوم اجتماعی، «هویت اجتماعی» بیشتر بر جنبه‌های جمعی و بیرونی هویت تمرکز می‌کند. این نظریه به شکل‌گیری هویت فرد در تعامل با گروه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد و بر نقش گروه‌ها و هنجارهای اجتماعی در تعریف هویت فرد اشاره دارد (Tajfel & Turner, 1986).

حکمرانی فرهنگی (Cultural Governance): تلاش‌هایی سامان‌یافته برای شکل‌دهی، تقویت و ترویج ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است؛ این تلاش‌ها در ساخت هویت‌های «فردی» و «جمعی» بسیار مؤثر است (DiMaggio & Mohr, 2003). دو مفهوم «الگوی نقش» و «مرجع نقش» در حکمرانی فرهنگی حائز اهمیت‌اند. اتکا به هر یک، حکمرانی

1. Identity Theory

2. Social Identity

3. Self-concept

4. Self-awareness

فرهنگی متفاوتی را می‌سازد. در حکمرانی، «الگوی نقش»^۱ و «مرجع نقش»^۲ هرچند هر دو به نحوی در شکل‌گیری و هدایت رفتارها و نگرش‌ها نقش دارند، اما از نظر مفهوم و کاربرد متفاوت‌اند. «الگوی نقش» به فرد یا نهادی گفته می‌شود که رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌های آن به عنوان نمونه‌ای مثبت و قابل تقلید شناخته می‌شود. الگوهای نقش، الهام‌بخش هستند، دیگران سعی دارند با تقلید و پیروی از این الگوها، به موفقیت‌ها و ویژگی‌های مشابه دست یابند (Bandura, 1977:22-25). «مرجع نقش» به استانداردها، قواعد و دستورالعمل‌هایی اشاره دارد که تعیین می‌کنند چگونه باید نقش‌ها ایفا شوند. این «مراجع» اغلب شامل «سیاست‌ها»، «قوانین» و «مقرراتی» هستند که چگونه بودن را تعریف و تعیین می‌کنند (Scott, 2014:95-100). از حیث کارکرد، آن‌ها هدایت‌گر و تعیین‌کننده، تنظیم و کنترل‌کننده رفتارها و وظایف از طریق «قواعد» مشخص‌اند. در حالی که «الگوی نقش» موجب تأثیرگذاری عمدتاً «غیررسمی» و «فرهنگی» از طریق «مشاهده» و «تقلید» است؛ «مرجع نقش»، تأثیرگذاری «رسمی» و «ساختاری»، از طریق اعمال «قوانین» و «سیاست‌ها» را پی می‌جوید (Peters, 2015:60-65). در واقع «الگوی نقش» قائم بر فردی است که در جایگاه الگو پذیرفته شده و افراد از روی میل و اراده از وی تبعیت می‌کنند.

شایان ذکر است پژوهش‌هایی در زمینه سیره پیامبر در مورد زنان انجام شده است. از جمله کتاب ناهید طیبی با نام زن در چشم پیامبر که به وضعیت زنان در دوره پیامبر پرداخته است. کتاب ارزشمند *تحریر المرأة فی عصر رساله* از عبدالحلیم محمد ابوشقه در ۶ جلد با مراجعه به منابع اصیل تاریخی و صحیحین و آثار سیره نویسی به شیوه و کنش رفتاری پیامبر در مدینه در باب زنان پرداخته است. کتاب *زن و جنسیت در اسلام*؛ ریشه‌های تاریخی یک بحث مدرن که لیلا احمد مؤلف مصری آمریکایی آن تلاش کرده رشد تاریخی نقش‌های زنان در جوامع مسلمان را، تحت تاثیر عوامل مذهبی، اجتماعی و فرهنگی، در دوران پیشاسلام تا زمان معاصر، بررسی کند. همچنین افزون بر مقاله یکی از نگارندگان

-
1. Role Model
 2. Role Reference

با عنوان «مشارکت اجتماعی زنان در سیره پیامبر و مقایسه آن با قرائت غزالی در احیاء علوم‌الدین»، مقالات دیگری نیز در حوزه سیره پیامبر نگاشته شده از جمله مقالاتی با عنوان «زن از نگاه پیامبر» تألیف محمد شفیع (۱۳۹۱)، مقاله «بررسی جایگاه زنان در سیره حکومتی پیامبر اعظم (ع)» نگاشته ابراهیم خراسانی پاریزی (۱۳۹۹) و مقاله «سبک‌های رفتاری پیامبر اعظم (ص) با زنان در عرصه‌های اجتماعی، جنگ و خانواده» که توسط قریشی کربن و شعبانی (۱۳۹۳) نگاشته شده است. تفاوت مهم مقاله حاضر با آثار یادشده استفاده از نظرات مکتب تعامل‌گرایی نمادین و ساخت هویت و حکمرانی فرهنگی نبوی است که مشابه آن در این حوزه پژوهشی مشاهده نشد.

۳. زن و «ایفای نقش» در عهد پیامبر

چنانچه اشاره رفت نظریه «نقش - هویت» استرایکر (۱۹۸۰) نشان می‌دهد که چگونه مجموعه‌ای از نقش‌های اجتماعی در شکل‌دهی به هویت کلی فرد تأثیر دارند. این نظریه بر دو عامل اصلی تأکید دارد که برخی از نقش‌ها را برجسته‌تر و مهم‌تر از سایرین می‌کند: ۱. میزان تعهد فرد به یک هویت خاص و اهمیتی که به آن هویت می‌دهد؛ ۲. میزان تعهد به هویت، که به پیوندهای فرد با دیگران در ارتباط با آن هویت و اهمیت عاطفی این پیوندها بستگی دارد. اهمیت یک هویت خاص تحت تأثیر ارزش‌های شخصی و انتظارات اجتماعی فرد قرار دارد. هرچه یک هویت برجسته‌تر باشد، احتمال فعال شدن آن در موقعیت‌های مختلف بیشتر است و به‌طور مستمر رفتار فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ناظر بر این امر در صدر اسلام به دنبال فراخوانی پیامبر اکرم (ص) برای احراز هویت مسلمانی خطاب به همه، از جمله زنان، شاهد مشارکت متعهدانه «سمیه» و ایفای نقش او به عنوان یک مسلمان هستیم. او بر اساس تعهدات هنجاری خود، با پافشاری بر عقایدش، به ایفای نقش‌های خود پایبند است. برای سمیه که نقش «مادری» و همچنین نقش «همسری» دارد، نقشی که بر اساس «عقیده» اوست، هویت «مرکزی» او را ساخته و بر تمام نقش‌هایش ارجحیت می‌یابد؛ تا بدانجا که در مقابل تبری جستن و رجوع به هویت پیشین، همچنان بر هویت «انتخابی» خود پای فشرده و بر اساس تعهد هنجاری، تا پای جان، مشارکت فعالانه‌اش را نمایان می‌سازد.

تحلیل تأثیر التزام و پای‌بندی به تعهدات هنجاری یا مشارکتی فرد در برساخت هویت را طبق نظریه استرایکر می‌توان در ایفای نقش خواهر عمر، در انتخاب و التزام به هویت مسلمان یک زن و نقشی که او در گرایش به اسلام برادرش نیز مشاهده کرد، که بعدها خلیفه دوم مسلمانان شد. این امر بیانگر کنش‌گری زنی مسلمان با هویت «فعال» و «انتخاب‌گر» در یک جامعه مردسالار بوده و «پیشگامی» او در اسلام‌آوردنش نسبت به بسیاری از مردان جامعه آن روز - حتی برادرش - شایان توجه است (نک: ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ص ۱۶۱-۱۶۰).

ناظر بر این نوع کنش‌گری‌ها مصادیق متعددی از چگونگی ایفای نقش مشارکتی زنان قابل احصاست، از جمله همراهی زنان باتفاق شوهرانشان در هجرت به حبشه^۱ که نشانگر تعهد هنجاری آنان نیز هست. (برای اطلاع از نام‌های این زنان نک: همان، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۳۰).

در مرحله دیگر زنان در هجرت به مدینه نیز به صورت گسترده با ایفای نقشی متعهدانه مشارکت خویش را نمایان ساخته‌اند. این امر نشانگر آمادگی آنان بر عاملیتی فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی دوشادوش مردان بوده مبتنی بر پای‌بندی آنان بر عقیده‌شان است. گرایش به این «عاملیت فعال» چنان است که زنی اسلام آوردن خواستگارش را به عنوان مهریه خود تعیین کرده بود (نک: ابن‌سعد، ج ۸، ص ۳۱۳؛ ابن‌حجر، ج ۴، ص ۴۴۲).

همچنین می‌توان به بیعت تعدادی از زنان انصار در عقبه، همسان با مردان اشاره کرد، در شرایطی که آنان اجازه ورود به عرصه‌هایی که مختص مردان بود را نداشتند و جامعه ارزشی برای عهد و پیمان آنان قائل نبود (نک: ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۳۳ و ۴۴۱؛ ابن‌سعد، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۱۲؛ ابن‌اثیر، ۱۴۱۴، ص ۵۱۳). در آن هنگام و پیش از جاری‌سازی عهد، ابتدا آیه ۱۲ سوره ممتحنه نازل شد و چگونگی بیعت با بیان شروطی اعتقادی و اخلاقی شرح داده شد. افزون بر این بیعت که به بیعت زنان (بیعة النساء) شهرت دارد (نک: حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۱۵۲-۱۵۳) و نیز بیعت رضوان و بیعت فتح مکه، گزارش دیگری درباره بیعت زنان با خلفا و حکام وجود ندارد و ظاهراً در ادوار بعدی، بیعت تنها به مردان اختصاص یافته است (القاسمی، ۱۴۰۵، ص ۲۷۷-۲۷۸). بیعت در آن روزگار به معنای در اختیار نهادن رأی و نظر به حکمران، و قرار گرفتن در دایره مشارکت

سیاسی - اجتماعی با نظام حکمرانی مزبور بوده و بسیار با اهمیت است. با رخداد بیعت؛ هویت مستقل سیاسی و حقوقی زنان تأیید شد و آنان نیز همچون مردان پیمان بستند تا متعهد بر آیین و هویت مسلمانی باشند.

۴. استقرار زنان در مرزهای نمادین هویتی

نظریه‌پردازان مکتب تعامل‌گرایی نمادین مانند بلومر (۱۹۶۹)، بر اهمیت «معانی مشترک» و «مناسک نمادین» در ساخت و تثبیت «هویت» تأکید دارند. «مناسک» به عنوان یکی از «مرزهای نمادین» هویتی، در شکل‌دهی و تقویت «هویت اجتماعی» مسلمانان بسیار مهم و مؤثر است. از این‌رو پیامبر اسلام (ص) در آغاز بعثت خود در تلاش برای شکل‌دهی به «مرزهای نمادین امت اسلامی»، برگزاری «جمععی» برخی از مناسک را بر صورت «انفرادی» آن ارجح می‌دانست. ایشان در ابتدای بعثت بر انجام نماز جماعت در برابر انظار عمومی در مسجد الحرام به همراه نخستین فرد مسلمان یعنی خدیجه همسر ایشان که همراه با حضرت به نماز جماعت می‌ایستاد، اصرار داشتند (ابن‌سعد، ۱۳۸۸ق، ج ۸، ص ۱۵). «مناسک»، نقش کلیدی در ایجاد و تقویت معانی مشترک و در نتیجه احراز هویت یک زن یا زنان مسلمان دارند. همبستگی درونی میان زنان مسلمان با شرکت در مناسک، در چارچوب یک «نظم اجتماعی مستقر شده» پدیدار می‌شود. هر زن مسلمان با پذیرش و درون‌سازی هویت‌های مشترک اعتقادی و فرهنگی، که از طریق باورها و اصول مذهبی مشترک تعریف می‌شود، خود را از دیگران متمایز می‌سازد. این هویت‌ها در چارچوب مرزهای نمادین اعتقادی که شامل آموزه‌های دینی، ارزش‌ها و اصول مذهبی هستند، تقویت می‌شوند. از این طریق، اعضای جامعه با اشتراک در باورها و ارزش‌های مشترک، احساس تعلق و همبستگی قوی‌تری به گروه خود پیدا کرده و در تعاملات اجتماعی خود به وضوح از دیگران متمایز می‌شوند. هر زن مسلمان با پذیرش و درونی‌سازی هویت‌های مشترک اجتماعی که در چارچوب مرزهای نمادین جامعه‌اش تعریف می‌شود و حاصل تفاوت‌های فرهنگی و اشتراک در معانی است، خود را از دیگران متمایز می‌سازد.^۱ از این‌رو پیامبر به

۱. هویت‌ها به وسیله مرزهای نمادین (Symbolic Boundaries) تعریف و تقویت می‌شوند. این مرزها که در تعریف و تمایز هویت‌های خود از دیگران به کار گرفته می‌شوند شامل آداب و رسوم، لباس، دین، و دیگر نمادهای فرهنگی هستند (Cohen, 1985: 11-19). از طریق این نمادهای مشترک، احساس تعلق و همبستگی قوی در میان اعضا شکل می‌گیرد. چه بسا اعضا هرگز یکدیگر را نشناسند، اما از طریق اشتراک در نمادها، روایت‌ها، و مواردی از این دست حس تعلق و همبستگی قوی را در

شدت به حضور زنان در مجامع و مسجد توجه و اهتمام داشت. پیامبر همچنین نقش هویتی امامت نماز جماعت را برای ام و رقه صادر می‌کند. او از نخستین زنان حافظ قرآن بود که در خانه‌اش، برای زنان مسلمان نماز جماعت به پا کرد (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۱۳۹۲). افزون بر حضور همسر پیامبر همراه وی در مسجدالحرام برای برپایی نماز جماعت، در مدینه نیز شاهد تشویق پیامبر به حضور زنان در مسجد هستیم. مشارکت جستن در برگزاری مناسک در کنار سایر خصائص اجتماع مسلمانان بسترهایی را در ساخت هویتی آنان فراهم آورده، در ادامه مواردی از این دست خواهند آمد.

۵. «جامعه‌پذیری» زن مسلمان و ساخت هویت فردی و جمعی

آموزش؛ نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی دارد. آموزش می‌تواند به طور عمیق‌تری بر هنجارها، ارزش‌ها و باورهای افراد تأثیر گذاشته و برساخت‌های هویتی اثرگذار باشد. پس از رسالت نبی اکرم (ص) و در پی تغییرات اجتماعی و سیاسی عصر نبوی، پیامبر (ص) زنان را سخت به سواد آموزی تشویق و حتی خود زمینه سوادآموزی آنان را فراهم می‌کرد (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۴۵۶). این در شرایطی است که مردان نیز از تحصیل علم بهره‌چندانی نداشتند. ایشان طلب علم را بر هر مرد و زن مسلمان واجب و فریضه می‌دانند: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة». در این باره از زنی به نام ام کثیر چنین نقل شده که همراه با خواهرش به نزد پیامبر اکرم (ص) می‌رود و می‌گوید: خواهرم می‌خواهد مسأله‌ای بپرسد، اما خجالت می‌کشد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: بپرسد، زیرا «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»^۱؛ سپس وی سؤال خود را مطرح می‌کند. این روایت، وجوب دانش‌اندوزی برای مردان و زنان را نشان می‌دهد. آموزش

میان‌شان تجربه خواهند کرد. چنانچه در اجتماع عظیم مسلمانان هنگام موسم حج نیز شاهد این رویداد هستیم (see: Anderson, 2006).

۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، مصححین: هدايت‌اله مسترحمی، علی اکبر غفاری و دیگران، بیروت: دار احیاء تراث العربی، ج ۶۷، ص ۶۸. این مضمون در همه منابع، مرسل آمده است: ابوالفتح کراچکی، کنز الفوائد، ص ۲۳۹؛ علی طبرسی، مشکاة الانوار، ص ۲۳۶ (به نقل از المحاسن که در آن، کلمه «مسلمة» ندارد)؛ ابن‌ابی‌الجمهور الاحسانی، عوالی اللئالی، تحقیق آیه الله نجفی مرعشی و مجتبی عراقی، ج ۴، ص ۷۰؛ مصباح الشریعة، ص ۱۳؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، تحقیق مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ج ۱۷، ص ۲۴۹.

«جامعه‌پذیری»^۱ به زنان توسط پیامبر فرآیندی بود که طی آن زنان ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و مهارت‌های ضروری برای مشارکت مؤثر در جامعه را یاد گرفتند و درونی کردند. چنانکه به قول گیدنز جامعه‌پذیری به افراد کمک می‌کند تا اعضای مؤثری برای جامعه بوده و نقش‌های اجتماعی خود را به درستی ایفا کنند (Giddens, 2013: 236). این مهم که به صورت مستقیم و غیرمستقیم ضمن آموزش اتفاق می‌افتد، تأثیرات بلندمدتی بر زندگی و هویت افراد دارد. تعاملات روزمره در این محیط‌های آموزشی به درونی‌سازی نگرش‌ها و انتظارات اجتماعی کمک می‌کند، این فرایند نقش مهمی در شکل‌گیری هویت افراد دارد.

۶. نهادها و ساخت هویت زنان بر اساس «الگوی نقش» پیامبر

طبق روایات تاریخی، زنان در کنار پیامبر اسلام به عنوان «الگوی نقش» در محیط‌های مختلف اجتماعی حاضر بودند، آنان در مسجد به مثابه یکی از نهادهای مؤثر بر توسعه فرد و جامعه حضور می‌یافتند بدون آن که نیازی به اجازه همسرانشان داشته باشند. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۵۸). پیامبر اکرم (ص) به هنگام سخنرانی در مسجد توجه خاصی به رساندن پیام خود به زنان داشت (ابن سعد، ج ۸، ص ۳۰۷). پس از مدتی با اعتراض زنان که به خوبی نمی‌توانستند پیامبر را دیده و سئوالات خود را بپرسند، پیامبر روزی را مخصوص ایشان قرار داد تا بدون هیچ فاصله‌ای، از شخص پیامبر آموزش گیرند (احمدبن حنبل، ج ۳، ص ۳۴). زنان مشارکت بیشتری در مناسک اجتماعی طلب می‌کنند تا هویت مسلمانی‌شان را غنا بخشند. برخی برای محروم نشدن از این حضور، آن را شرط ازدواج خود قرار می‌دادند (ابن سعد، ج ۸، ص ۲۶۵-۲۶۷؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۸۳ - ۱۸۵).

در رویداد تغییر قبله از بیت‌المقدس به سوی کعبه در سال دوم هجرت، جمعی از زنان در نماز جماعت پشت سر مردان ایستاده بودند که پس از تغییر قبله جلوی مردان قرار گرفتند، به این دلیل بار دیگر صفی در پشت مردان تشکیل دادند (ابن سعد، ج ۸، ص ۱۸۷؛ الصالحی الشامی، ج ۳، ص ۳۷۰؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۵؛ ابن عبدالبر، ج ۳، ص ۱۴۱۷). این گزارش تاریخی نشان می‌دهد که نه تنها مانعی برای حضور بلکه حائلی نیز میان زنان و مردان در مسجدالنبی وجود نداشته است. پیامبر اکرم (ص) زنان را به حضوری فعال در

مسجد ترغیب نموده و حتی از علت حضور نیافتن شان پرس و جو می کرد (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۳۶ و ۴۳۵). حتی در زمانی که گریه کودکی برخاست برای همراهی با مادر کودک، نماز خود را زودتر از معمول به پایان رساند (المقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۴۰). این تجربیات به صورت ناخودآگاه به نگرش‌ها، عادات و تمایلات آن‌ها جهت می‌دهد و مجموعه‌ای از عادت‌واره‌های آنان را می‌سازد و بر ساخت هویتی آنان در آن بازه تاریخی اثرگذار است. مطالعات بسیاری تأثیر «الگوهای نقش» بر یادگیری و رفتار افراد از طریق مشاهده و تقلید را نشان داده‌اند (Bandura, 1997: 14-3; 64-35). ویژگی‌ها و رفتارهای پیامبر اکرم (ص) الگویی مؤثر در ساخت هویتی زنان بوده است. آنان با مشاهده و الگوبرداری، به یادگیری و تنظیم رفتارهای خود به عنوان یک زن مسلمان می‌پرداختند و به هویت فردی و اجتماعی خود تعین بخشیدند. همانند حضور اجتماعی مؤثر در مسجد، هویت‌خواهی زنان در نهاد جنگ نیز تحت تأثیر «الگوی نقش» پیامبر قابل بررسی است.

پژوهش‌هایی که به تحلیل جامعه‌شناختی جنگ و نهاد نظامی پرداخته‌اند، جنگ را هم نهاد اجتماعی دانسته‌اند (Moskos, 1976) که مانند سایر نهادهای اجتماعی این نهاد نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت فردی و جمعی و نیز تنظیم رفتارها و تعاملات انسانی ایفا نموده است. روایات تاریخی بیانگر تجربه تاریخی حضور زنان در جنگ‌ها به همراه پیامبر اکرم (ص) است. زنان در جنگ‌ها همراه پیامبر اکرم (ص) در صحنه نبرد حاضر شده و به مداوای مجروحان می‌پرداختند. در این مشارکت، آنان از غنیمت جنگی سهم می‌بردند. نقل است که پیامبر به زنان شرکت‌کننده در خیبر، سهمی معادل سهم مردان از غنایم داد (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۹۶؛ ابن حجر، ج ۸، ص ۴۴۲). پاداش دو زن باردار را که میان راه وضع حمل کردند برای مادر و برای فرزندانشان منظور نمود (واقدي، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۸۶). پیامبر اکرم (ص) برای گعیبه دختر سعد اسلمیه که یکی از شرکت‌کنندگان در خیبر بود مکانی را در مسجد مدینه در نظر گرفت تا به مداوای مجروحان و طبابت بیماران بپردازد (همان، ص ۵۱۰؛ ابن‌عبدالبر، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۱۹۰۷؛ ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۳۸؛ ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۹۷). وی در جنگ‌های پیامبر به اندازه یک مرد مجاهد از غنایم، سهم دریافت می‌کرد (واقدي، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۱۰؛ ابن‌عبدالبر، ۱۳۸۱ق، ج ۴، ص ۱۹۰۷).

همچنین پیامبر اکرم (ص) خیمه‌ای برای زُفیده، زنی از قبیله اسلم، در مسجد خود برپا کرده بود که در آنجا به مداوای بیماران می‌پرداخت؛ از جمله بیماران او، سعد بن معاذ بود (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۷۲۰؛ البخاری، ۱۴۰۹ق.، ص ۱۱۱؛ ابن سعد، ۱۳۸۸ق، ج ۸، ص ۲۹۱؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۱۰؛ مقریزی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۶۳). از زنان زیادی در امر مداوای مجروحان و آبرسانی نام برده شده؛ برخی از آنان نظیر ام‌سلیم، ام‌عطیه، ام‌سنان اسلمیه به طور مکرر در جنگ‌های پیامبر (ص) مشارکت داشتند (واقدي، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۴۹).

در این‌جا صحبت از زنانی است که مکلف به جهاد و نبرد نبودند، اما نقش متمتازی در جنگ‌های صدر اسلام بر عهده داشتند و با نقش‌پذیری‌های متفاوت از درمان و آبرسانی تا جنگ رو در رو با دشمن، به پیامبر (ص) یاری رسانده و مورد تحسین و ی واقع شدند. در جنگ احد، هنگامی که کار بر مسلمانان سخت شد و بسیاری از مردان گریختند، زنانی که در جنگ احد شرکت کردند به دفاع از جان پیامبر پرداخته و ام‌ایمن و صفیه، عمه پیامبر اکرم (ص)، فراریان را شمات و آنان را به پایداری تشویق می‌کردند (واقدي، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۸۸). شرکت در جنگ به عنوان یک تجربه مشترک تأثیرات عمیقی بر احساس هویت فردی و جمعی زنان دارد. جنگ پیوندهای اجتماعی آنان را تقویت کرده و بر احساس همبستگی در میان زنان مسلمانان می‌افزوده‌است. همچنین شرکت در جنگ عزت نفس زنان را طی فرآیند ساخت هویتی‌شان افزایش می‌داده است.

• نتیجه

این مقاله با تبیین ساخت هویت زنان عصر نبوی، مصادیقی از مشارکت فعال و آگاهانه آنان در تعاملات اجتماعی و فرهنگی را بررسی کرد و نشان داد طی این فرآیند چگونه زنان تحت تأثیر «الگوی نقش پیامبر» هویتی فعال و اجتماعی به دست آورند. مشارکت در نهادهای مذهبی، اعتقادی و اجتماعی مانند خانواده، مسجد و حتی جنگ، یادگیری اجتماعی را به دنبال داشته، در حالی که ارجحیت «الگوی نقش» پیامبر بر «مرجع نقش» بارز است دست‌کم در مصادیقی که بررسی شد. بر این اساس هویت‌یابی در نهادهای مختلف مانند خانواده، آموزش و جنگ رخ داده تا به زنان کمک کند هویت خود را در متن تاریخی و فرهنگی گسترده‌تری درک کنند. در واقع، پیامبر اکرم (ص) رهبری تحول‌خواه و

تحول گراست. او در میدان از درون مسجد تا فضای جنگ و جهاد در جایگاه الگویی الهام بخش عمل می کند. در این مسیر زنان در فرایند ساخت هویتی خود از روی اختیار و به دلیل تأیید و تحسین، پیروی از رسول اکرم (ص) را دور از سیاست های اقتدارطلبانه، کنترل گرانه و نظارتی پذیرفته و تحت تعالیم مستقیم و غیرمستقیم ایشان قرار گرفتند. در واقع ویژگی حکمرانی فرهنگی نبوی ایجاد «انگیزه» از مسیر «الگوسازی» است. زنان در نقش های مختلفی به درونی سازی نقش های اجتماعی پرداخته و از طریق تعاملات اجتماعی فرآیندهای معنادهی به هویت های فردی و اجتماعی خود را تجربه کرده اند. در این میان مسجد به مثابه یک نهاد آموزشی فضایی فراهم می آورد تا در آن آموزش ها بر مدار الگوی نقش پیامبر تجربه شده و دانش، بینش و منش حاصل از ارزش های فرهنگی و دینی فراگرفته شده، در زندگی روزمره زنان به کار گرفته شود. حتی در میدان جنگ به مثابه یک نهاد اجتماعی، الگوی نقش پیامبر اسلام (ص) و سایر پیشکسوتان مسلمان تشخص یافته به دین و آیین رسول خدا، به زنان الهام بخشیده و تشخص می بخشد. به تدریج این الگوها به زنان کمک کرد تا همزمان هم هویت فردی خویش را به عنوان افرادی فعال و مقاوم شکل دهند و هم بتوانند هویت اجتماعی خویش را به عنوان عضوی از امت رسول الله بروز دهند. در واقع با قوام بیش تر اجتماع مسلمین، درونی سازی «دیگری عام» یا فراگیر به کمک شکل دهی به هویت اجتماعی زنان می آید؛ به تعبیر جرج هربرت مید ارزش ها و هنجارهای جامعه اسلامی ذیل حکمرانی فرهنگی نبوی است. گویی پس از پذیرش «دیگری خاص» رسول اکرم (ص) موعد آن می رسد تا زنان با فهم و پذیرش آیین و مشی مسلمانی عضوی از امت اسلامی شوند. ساخت هویت زنان در بستر نهادهای مختلف اجتماعی مانند خانواده، مسجد و جنگ شکل یافته و هویت منفرد و تمایز بخش فردی و اجتماعی شان در چارچوب های فرهنگی و اجتماعی گسترده تر نمایان شده است؛ این فرایند تحت تأثیر الگوی حکمرانی فرهنگی نبوی شکل گرفته که اتکای آن بر الگوی نقش پیامبر است. چنانچه اشاره رفت، حکمرانی فرهنگی بر اساس «الگوی نقش» رویکردی مؤثر در شکل دهی هویت اجتماعی و فرهنگی داشت. این نوع حکمرانی را می توان با نظریه های اخلاقی معاصر مانند نظریه «اخلاقی الگوگرایی» لیندا زاگربسکی همخوان دانست؛ یعنی

کسب و انتقال فضایل اخلاقی به دیگران از طریق الگوهای مثبت و تحسین‌برانگیز. بنابراین، استفاده از «الگوی نقش» به‌عنوان ابزار اصلی حکمرانی فرهنگی، نه‌تنها در تاریخ اسلامی بلکه در نظریه‌های اخلاقی معاصر نیز رویکردی مؤثر و کارآمد تلقی می‌شود.

فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۴۱۴). *الکامل فی التاریخ*، تحقیق مکتب التراث، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. ابن‌اثیر، عزالدین علی (بی‌تا). *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، تهران: اسماعیلیان.
۳. ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ق). *الإصابة فی تمييز الصحابة*، تحقیق شیخ عادل احمد الموجد، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴. ابن‌حنبل، احمد (بی‌تا). *المسند*، بیروت: دارصادر.
۵. ابن‌سعد، محمد (۱۳۸۸ق). *الطبقات الكبرى*، بیروت: دارصادر.
۶. ابن‌عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۳۸۱ق). *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، بیروت: دارالفکر.
۷. ابن‌هشام، عبدالملک (۱۳۷۵ق). *سیرت رسول‌الله (ص)*؛ مشهور به *سیرة النبی*، تصحیح و اصلاح مغازی یا سیره محمد بن اسحاق، جعفر مدرس صادقی (۱۳۷۳ش)، تهران: نشرمرکز.
۸. ابوشقه، عبدالحلیم محمد (۱۴۱۵ق). *تحریر المرأة فی عصر الرسالة*، الطبعة الرابعة، کویت: دارالقلم للنشر والتوزیع.
۹. امین، سید محسن (بی‌تا). *اعیان الشیعة*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۹ق). *الادب المفرد*، تحقیق محمدفواد عبدالباقی، بیروت: موسسه الکتب الثقافیة.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم: آل‌البتیة لإحیاء التراث.
۱۲. خراسانی پاریزی، ابراهیم (۱۳۹۹). بررسی جایگاه زنان در سیره حکومتی پیامبر اعظم (ع)، *مسکویه*، (۵۳)، ص ۱۸-۲۹.
۱۳. دلیر، نیره. (۱۳۹۲). مشارکت اجتماعی زنان در سیره پیامبر و مقایسه آن با قرائت غزالی در احیاء علوم الدین، *مطالعات تاریخ اسلام*، (۱۹)۵، ۴۹-۶۹.
۱۴. شفیعی، محمد. (۱۳۹۱). زن از نگاه پیامبر (ص). *روان‌شناسی فرهنگی زن*، (۱۲)، ۲۳-۳۶.

۱۵. طیبی، ناهید (۱۳۸۸). *زن در چشم پیامبر*، قم: بهشت بینش.
۱۶. القاسمی، ظافر (۱۴۰۵ق). *نظام الحكم فی الشريعة و التاريخ الاسلامی*، بیروت: دار النفایس.
۱۷. قریشی کربن، سیدحسن و شعبانی، حجت (۱۳۹۳). سبک‌های رفتاری پیامبر اعظم (ص) با زنان در عرصه‌های اجتماعی، جنگ و خانواده، *سیاست متعالیه*، (۶)، ۱۰۷-۱۲۲.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، مصححین: هدایت‌اله مسترحمی، علی اکبر غفاری و دیگران، بیروت: دار إحياء تراث العربی.
۱۹. مقریزی، تقی‌الدین احمدبن علی (بی‌تا)، *امتاع الاسماع*، تحقیق محمود محمد شاکر، مصر: لجنة التالیف و الترجمة و النشر.
۲۰. واقدی، ابوعبدالله محمدبن عمر (۱۴۰۹ق)، *المغازی*، تحقیق مارسدن جون ز.، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
21. Ahmed, L. (1992). *Women and gender in Islam: Historical roots of a modern debate*. Yale University Press.
22. Anderson, B. (2006). *Imagined communities: Reflections on the origin and spread of nationalism* (Rev. ed.). Verso.
23. Bandura, A. (1977). *Social learning theory*. Prentice Hall.
24. Blumer, H. (1969). *Symbolic interactionism: Perspective and method*. University of California Press.
25. Cohen, A. P. (1985). *The symbolic construction of community*. Routledge.
26. DiMaggio, P. J., & Mohr, J. (2003). *Identity and power: The transformation of American politics*. Harvard University Press.
27. Fukuyama, F. (2013). What is governance? *Governance*, 26(3), 347-368. <https://doi.org/10.1111/gove.12035>
28. Giddens, A. (2013). *Sociology* (7th ed.). Polity Press.
29. Goffman, E. (1959). *The presentation of self in everyday life*. Doubleday.
30. Griffield, T., & Yan, Q. (2006). *Cultural identity and globalization*. Palgrave Macmillan.

31. Joas, H. (1985). *G. H. Mead: A contemporary re-examination of his thought*. MIT Press.
32. Mead, G. H. (1934). *Mind, self, and society: From the standpoint of a social behaviorist*. University of Chicago Press.
33. Moskos, C. C. (1976). The sociology of war and the military. *Annual Review of Sociology*, 2, 55-78. <https://doi.org/10.1146/annurev.so.02.080176.000415>
34. Peters, B. G. (2015). *Advanced introduction to public policy*. Edward Elgar Publishing.
35. Scott, W. R. (2014). *Institutions and organizations: Ideas, interests, and identities* (4th ed.). SAGE Publications.
36. Stryker, S., & Burke, P. J. (2000). The past, present, and future of an identity theory. *Social Psychology Quarterly*, 63(4), 284-297. <https://doi.org/10.2307/2695840>
37. Stryker, S. (1980). *Symbolic interactionism: A social structural version*. Benjamin-Cummings Publishing Company.
38. Tajfel, H. (1981). *Human groups and social categories: Studies in social psychology*. Cambridge University Press.
39. Tajfel, H., & Turner, J. C. (1986). The social identity theory of intergroup behavior. In S. Worchel & W. G. Austin (Eds.), *Psychology of intergroup relations* (pp. 7-24). Nelson-Hall.
40. Yuval-Davis, N. (2011). *The politics of belonging: Intersectional contestations*. SAGE Publications.
41. Zagzebski, L. T. (2017). *Exemplarist moral theory*. Oxford University Press.